

# زبان و فرهنگ؛ ضرورت‌ها

گفت‌وگو با

میرزا شکورزاده، محقق و پژوهشگر تاجیک  
و محمدشاه ایلاف، رئیس آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان



گفت‌وگو: زین العابدین درگاهی\*

میرزا شکورزاده  
محقق و پژوهشگر تاجیک

میرزا شکورزاده، محقق و پژوهشگر تاجیک، را پیش‌تر می‌شناختم. چند کتاب از او، از جمله تلجیکان در مسیر تاریخ (تهران، الهدی، ۱۳۸۵) و نوادر ضیائیه، نوشته صدر ضیاء، پدر محمد جان شکوری (تهران، سروش، ۱۳۷۷)، را خوانده بودم. در همایش بین‌المللی رودکی در شهر خجند (۸ و ۹ خرداد ۸۷/۲۸ و ۲۹ می ۲۰۰۸) با او بیشتر آشنا شدم؛ آگاه و پربار، بسیار متواضع و فروتن بود و در کلام، پرکشش و جاذبه. می‌گفت حدود ۱۲ سال در ایران بوده است و با خلق و خوی ایرانیان سخت آشناست. روز چهارشنبه، ۱۵ خرداد ۱۳۸۷، به دفتر کارش در اتحادیه نویسندگان رفتم. با خوش‌رویی پذیرا شد و باب گفت‌وگو را خود باز کرد.

■ جناب شکورزاده با تشکر از شما، توجه به فرهنگ و ادب

# میرزا شکورزاده: خودتان مشاهده کردید و اینها را دیدیم، او نیز همین را دیدیم، گویش فارسی در تاجیکستان و افغانستان

**میرزا شکورزاده: خودتان مشاهده کردید؛  
تلویزیون، رادیو، آویزه‌ها و شعارها و ... و حتی  
گویش مردم، لحن و آهنگ بیگانگان را دارد.  
بنابراین من چاره و علاج زنده ماندن زبان  
فارسی در تاجیکستان را فقط در همبستگی  
با ایران و افغانستان و برگشت به الفبای  
فارسی می‌دانم**

۱۳۸۷ است) شاهد بودیم که برادران تاجیک و ایرانی همیشه مشتاق هم بوده‌اند. متأسفانه به پیکر فرهنگ تاجیک در آسیای میانه ضربه‌های شدیدی وارد شده؛ مثلاً کاستی زبان و دین و مذهب همه این لطمه‌ها را دید. با کمال تأسف باید بگویم که تاجیکان و در مجموع، مردم آسیای میانه، خیلی متوجه نیستند که در طول هفتاد سال چگونه اصالت دینی، فرهنگی و زبانی ما خسارت دیده است.

## جناب استاد، چاره کار چیست؟

من همیشه این را گفته‌ام، چاره فقط در وحدت، یکپارچگی، همبستگی و دست در دست هم دادن ایران، تاجیکستان و افغانستان است؛ یعنی ما باید هرچه زودتر و سریع‌تر به الفبای فارسی برگردیم. ایران عزیز، همچون کشور مادر و مثل جهان عرب، که اتحادیه و کنفدراسیون دارند، و یا مثل ترک‌های جهان، که وصلت و هم‌بستگی آنها قوی است، باید سرپرست کشورهای فارسی‌زبان باشد. این نعمت خداست که به ما فارسی‌زبان‌های ایران، افغانستان و تاجیکستان داده، به ترکی‌زبانان نداده است؛ یعنی اقوام ازبک، قزاق، قرقیز و ترک‌های عثمانی و آذری به راحتی زبان همدیگر را نمی‌فهمند؛ فرهنگ آنها فرهنگ واحدی نیست؛ مثلاً می‌گویند علیشیر نوایی مربوط به ازبک‌هاست؛ مختم‌قلی ویژه ترکمن‌ها است؛ آنها را قزاق و قرقیز شاعر یا ادیب خویش نمی‌دانند و درست هم هست؛ اما فرهنگ ما و ایران و افغانستان یکی است. اگر تاجیکستان به فرهنگ اسلامی و ایرانی هر قدر بیشتر روی بیاورد، تهاجم غرب هم کاری نمی‌تواند بکند. در افغانستان اختلاف میان فارسی‌زبانان و پشتون‌هاست. راستی گپ در حل این معما عاجزم. اختلاف را بیشتر از بیرون دامن می‌زنند. چون الفبای فارسی هست و اکثر مردم فارسی‌زبانند، هیچ فرهنگی نمی‌تواند در افغانستان فارسی را از بین ببرد. در تاجیکستان هم همین طور است. ما اگر به الفبای فارسی برگردیم و ایران گرامی در دل به روی تاجیکستان بگشاید و تاجیکستان همچنین روایت را برچینند، رفت و آمد،

گذشته چه ضرورتی دارد؟ به طور کلی، ضرورت توجه به میراث  
گذشتگان چیست و چگونه می‌توان بدن پرداخت؟

بسم الله الرحمن الرحيم. هر کس که از گذشته خود آگاه نیست و بدن افتخار نمی‌کند، آینده هم ندارد. به گفته مولانای بزرگ، اگر ما روزگار وصل خویش را نتوانیم، ندانیم از چه نژاد و تاریخ و از چه دین و آیینی هستیم و چه تمدنی داشته و داریم، فردی باخته بخته‌ایم و در اقیانوس فرهنگ اجنبی، که هم‌روزه در حال تهاجم به سمت کشورهای ماست، آب می‌شویم، حل می‌شویم و نابود می‌گردیم. صحبت‌های ما در این موضوع انجام می‌گیرد. در تهران گرامی، مشهد، کابل، خجند و سمرقند دایر می‌شود. روی همین است که ما باید به گذشته خود روی آوریم و نسل‌های امروز و فردا را آگاه کنیم که از این تاریخ و فرهنگ و از مدنیّت اطلاع داشته باشند و در دفاعشان جان نثار بکنند.

با توجه به شرایط فرهنگی امروز، که رسانه‌ها بر دنیا سیطره پیدا کرده‌اند، چگونه می‌توانیم فرهنگ خود را حفظ و حراست نماییم؟

من از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بارها و بارها شکر خدا کرده‌ام. در ایران، حتی در زمان امپراتوری‌های بسیار بزرگ، لحظه‌های حساس و امتحان‌های جدی پدید می‌آمد، ایرانیان با زرنگی و با خردمندی‌ای که دارند، همیشه از این بحران‌ها و از این حریق‌ها سالم بیرون آمده‌اند؛ مثلاً وقتی مسلمین اعراب اسلام را ارمغان آوردند، ایرانیان می‌دانستند با وجود فساد و بحران‌هایی که در حکومت ساسانی پیش آمده بود، آن حکومت هیچ کاره است و ایرانیان اسلام را پذیرفتند و به حیث مشاوری و سرور و سردار، آمدند به خراسان بزرگ و آسیای میانه. در قرن معاصر، قرن بیستم طوفانی، انقلاب اسلامی مرحمت خدا بود. امکان داشت اگر در ایران گروه‌های دموکرات‌ها و توده‌ای‌ها و ... پیروز شوند، به وحدت و یکپارچگی ایران خلل وارد کنند؛ چون که در ایران قوم‌های مختلف هستند؛ هر چند که صد در صد ایرانی هستند و با فرهنگ و نژاد و خوی و خصلت ایرانی و افتخار دارند به ایران عزیز، اما چنان که احساس می‌کنم، یکی مشکل زبانی هم است برای قوم‌های آذری‌زبان، که البته در گذشته، زبان آنها ایرانی بود. زبان کردی، آذری و ... شاخه‌ای از زبان هند و اروپایی هستند و دعوی مستقل بودن خودش را دارد و فکر می‌کنم پیروزی انقلاب اسلامی برای بقای ایران امروز و وحدت مسلمین ایران و جهان بسیار کمک کرد و یکی از سپهرهایی است که از بلاهای عظیم، ایران را نگاه می‌دارد. دین مبین اسلام موجب سعادت و وحدت همه ایرانیان است، که زیر این پرچم، من خود با چشم سر دیدم که مردم سخت متحدند و از دین و ایمانشان دفاع می‌کنند. نکاتی در این مورد گفته شد که در کتاب استاد مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام، بازتاب یافته است. اما در مورد تاجیکستان و افغانستان و هم‌زبانان، گفتنی‌ها زیاد است. در کنفرانس خجند (مقصود همایش بین‌المللی رودکی، در خجند، خرداد

داد و ستدهای برادرانه و دوستانه رواج بگیرد، از تهاجم فرهنگ بیگانه و از نابودی زبان و ... نگران نخواهیم بود. در عکس حال با این وضع امروز، زبان فارسی / تاجیکی در خطر قرار دارد؛ از یک سو کشورهای ترک‌زبان، از سوی دیگر، فرهنگ و زبان غرب از سر تاجیک دست‌بردار نیست. خودتان مشاهده کردید؛ تلویزیون، رادیو، آویزه‌ها و شعارها و ... و حتی گویش مردم، لحن و آهنگ بیگانگان را دارد. بنابراین من چاره و علاج زنده ماندن زبان فارسی در تاجیکستان را فقط در همبستگی با ایران و افغانستان و برگشت به الفبای فارسی می‌دانم.

مثل دیگران، جهان خاص خود را داشته باشند؛ احساس نابودی زبان و فرهنگمان را نداشته باشیم؛ اگر زمانی می‌میریم، احساس کنیم که این فرهنگ و زبان زنده خواهد بود؛ این کاخ بلند که شاهنامهٔ فردوسی ایجاد کرد، این میراث بزرگ، به نسل‌های آینده برسد و ماندگار شود. قومی که زبان و آیین و دینش را از دست می‌دهد، در حساب مرده‌هاست. ما افتخار می‌کنیم که زنده‌ایم؛ همچون ایرانی، تاجیکی، فارسی زبان و همچون مسلمان باقی بمانیم. اگر این سنت‌ها از دست رفت، دیگر چیزی نیستیم و زندگی دیگر چه معنی دارد؟

**■ برخی از زبان‌شناسان و فرهیختگان تاجیکستان بر این باورند که اولاً خط نیاکان مشکلاتی برای آموزش دارد و برگشت به آن روا نیست؛ ثانیاً با خط سیریلیک آثار بی‌شماری نوشته شده است و اگر به خط فارسی بازگشت کنیم، نسل امروز از این آثار گسسته خواهد شد. شما چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟**

□ اگر یادتان باشد، در روز جمع‌بندی همایش رودکی در خجند، رک و راست و جسورانه گفتم ادعای آنکه اگر ما به الفبای فارسی برگردیم، ملت بی‌سواد خواهد شد، حرف یک عده اشخاص کم‌مایه از فرهنگ است. در گذشته اگر هر دستاورد بزرگ فرهنگی داشته‌ایم و داریم، با الفبای فارسی بود؛ چطور آنها بی‌سواد نشدند و ما امروز بی‌سواد می‌شویم؟! در الفبای سیریلیک آن قدر آثار نوشته‌ایم که از آنها محروم شویم. یک چند دایره‌المعارف چاپ کرده‌ایم، چند کتاب حافظ و سعدی و ... برگردان کرده‌ایم. این محرومیت و جدا شدن نیست. این حرف‌ها دروغ و اشتباه است.

**■ چند سالی پس از استقلال تاجیکستان، آموزش الفبای خط نیاکان را رهبران فرهنگی پیشنهاد کردند، مصوب هم شد؛ اما با موفقیت اجرا نشد؛ چرا؟**

□ در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ م آغاز بازسازی گورباچف و پس از استقلال تاجیکستان، به عشق و علاقهٔ ویژه به آموزش فارسی و خط مشغول شدیم. از سوی ایران یک مقدار کتاب - گرچه کم بود - آمد؛ اما در نشر الفبای فارسی، ایران خیلی مقصر است؛ چالاک نیست؛ مثلاً کتاب الفبا وارد نمی‌کند؛ یک قدم جلو می‌آید و ده قدم عقب می‌گذارد. هنوز ما فارسی‌زبانان تلویزیون مشترک نداریم. در همین تلویزیون تاجیکستان، فیلم‌ها و سرودها و صحبت‌های ایرانی خیلی کم است. در اول استقلال، فارسی‌خوانی با سرعت شروع شده بود، بعد که جنگ شهروندی پیش آمد، این روند کندتر شد. تاجیک‌ها می‌خواستند سریع‌تر به اصالت خویش و فرهنگ نیاکان برگردند؛ ادعای خودشناسی و استقلال‌خواهی بیشتر از همسایگان داشتند؛ متأسفانه جنگ شهروندی به رونق این کارها لطمه زد.

**■ سپاس از شما و نکتهٔ پایانی ...**

□ آرزوی ما این است که سه ملت برادر، که اصلاً یک ملتند،

**■ از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، صمیمانه سپاسگزاریم.**



**محمدشاه ایلاف**  
**رئیس آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان**

برای گفت‌وگو با محمدشاه ایلاف، رئیس آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، با دوست تاجیکم، آقای دکتر حاکم قلندراف، مشورت کردم. وی به تازگی مشاور ایلاف شده است. گفته بود هر وقت خواستید تشریف بیاورید، به ایشان خواهیم گفت، حتماً می‌پذیرد. عصر یک روز گرم در شهر دوشنبه، برابر ۱۳ خرداد ۱۳۸۷ / سوم ژوئن ۲۰۰۸ میلادی، به دفترش رفتم. ده - پانزده دقیقه‌ای منتظر شدم. دکتر حاکم گفت کوتاه باشد؛ فرصت محدود است. از راهرویی که شبیه اتاق کنفرانس بود، گذشتم. به اتاقش رسیدم. از جا برخاست و تا نزدیک در به استقبال آمد و همین گونه هم در پایان بدرقه کرد. روی مبل، روبه‌رویم نشست.

پس از تعارف و گپ و گفت اولیه، موضوع گفت‌وگو را طرح کردم. گفت عیبی نیست. البته قول دادم ویرایش محتوایی انجام نمی‌گیرد و برای اطمینان، گفت‌وگوها پس از آماده شدن به تأیید او خواهد رسید. خوش‌سخن بود و صاحب تألیفات و دارای مقامات. گفت که در پارلمان هم حضور دارد. سناتور مجلس است و به نظر در

کمیت‌های مربوط به امور فرهنگی و اجتماعی و بهداشتی حضور دارد. در پایان، کتاب جدید التالیف خود، مدیریت و علم، را به رسم یادبود هدیه داد. اینک متن این گفت‌وگو پیشکش دوستان؛ با این توضیح که سعی کرده‌ام دگرگونی در آن نباشد و لحن معمولی و خودمانی سخن حفظ شود تا حلاوت لهجه تاجیکی آن بماند. افزوده‌ها را داخل پراوتر قرار داده‌ام.

■ جناب ایلاف، کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی، مانند تاجیکستان، از سوی دیگر، ایران، با توجه به وقوع انقلاب اسلامی، تهدیدهای جدی می‌شوند، مخالفان و دشمنان، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، برای مهار و تحت سیطره گرفتن این کشورها هجمه‌های فرهنگی گسترده‌ای را در دستور کار خود دارند. به نظر جناب عالی چه باید بکنیم تا نسل فعلی و آینده را در برابر این هجوم حفظ کنیم؟ اساساً آیا هیچ ضرورتی برای این کار هست؟

□ سؤال خیلی مهم، خیلی حساس برای امروز ما و دوره ما؛ فکر می‌کنم مهم‌ترین سؤال برای حیات و ممت فرهنگی این کشورهایی است که شما نامور (یاد) کردید. در این دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم، خیلی مهم است؛ زیرا بسیار اساس‌ها و عنصرها از فرهنگ می‌سبزد (رشد می‌کند). کلمه‌ای را که شما استفاده کرده‌اید، «هجوم»، من این کلمه را دوست ندارم.

من گفتنی هستم (می‌گویم) زیر فشار و تأثیر فرهنگ‌هایی که امکانیت پیشرفت و تکنولوژیک بلندتری هستند، ایستاده هستیم (قرار داریم). ما باید آماده باشیم؛ ما باید فقط فرهنگ و زبان و تاریخ خود را

محمدشاه ایلاف: زبان می‌تواند در هویت نقشی داشته باشد. عموماً زبان، فرهنگ، هنر زیبا و ... عنصرهایی هستند که هویت را تشکیل می‌دهند. هویت فقط سیاست نیست؛ سخنرانی‌های بلند (بارزش) نیست؛ اینها بسیار کم است. آنچه نامور کردم، باید به قوت باشد؛ باید توسعه داشته باشد؛ فقط امروزی نباشد؛ آینده باید داشته باشد. زبان از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت جامعه است.

محمدشاه ایلاف: زبان می‌تواند در هویت فرهنگی نقشی داشته باشد. عموماً زبان، فرهنگ، هنر زیبا و ... عنصرهایی هستند که هویت را تشکیل می‌دهند. هویت فقط سیاست نیست؛ سخنرانی‌های بلند (بارزش) نیست؛ اینها بسیار کم است. آنچه نامور کردم، باید به قوت باشد؛ باید توسعه داشته باشد؛ فقط امروزی نباشد؛ آینده باید داشته باشد. زبان از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت جامعه است.

تأمین کرده توانیم. در حالت برعکس، آنچه فرزندهای ما جمع کرده، از بین می‌رود. فکر می‌کنم مهم‌ترین وظیفه فرهنگیان و اهل ضیاء (روشنفکران) کشورهایی که زبان مشترک دارند که نامور کردید، بیش از همه، ایران، تاجیکستان و افغانستان مورد نظرم هست، باید خیلی در حالت هوشیاری باشند.

■ جناب استاد، مشخصاً چه باید بکنند؟ اگر اجازه بدهید، از زاویه‌ای دیگر به موضوع نگاه کنیم. شما فرمودید باید هوشیار باشیم و آمادگی داشته باشیم تا از تاریخ، فرهنگ و زبان خود حراست کنیم؛ مثلاً زبان فارسی، نخبگان فرهنگی و اجتماعی ما چه تلاش و یا راهکاری برای حفظ و گسترش زبان باید داشته باشند؟ به نظر شما اساساً زبان می‌تواند نقشی در حفظ این هویت فرهنگی داشته باشد یا نه؟

□ البته زبان می‌تواند در این هویت نقشی داشته باشد. عموماً زبان، فرهنگ، هنر زیبا و ... عنصرهایی هستند که هویت را تشکیل می‌دهند. هویت فقط سیاست نیست؛ سخنرانی‌های بلند (بارزش) نیست؛ اینها بسیار کم است. آنچه نامور کردم، باید به قوت باشد؛ باید توسعه داشته باشد؛ فقط امروزی نباشد؛ آینده باید داشته باشد. زبان از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت جامعه است. زبان ساخته نمی‌شود؛ خودساخته است. جامعه امکانیت می‌دهد تا زبان ساخته شود و پیشرفت کند؛ یعنی یک سیستم خودکفایت وقتی که می‌کوشیم یک واژه را به زور از زبان دور کنیم و یا وارد زبان کنیم، موفقیت نمی‌یابیم؛ امکانیت نیست. فقط باید بکوشیم برای رشد زبان و شاعری، در تمام عالم معلوم و مشهور است و این باعث افتخار ماست؛ لیکن از یاد نبریم که با کوشش هزاران هزار دانشمندان، شاعران، صاحبان استعداد پیدا شده است. امروز باید به شعر و شاعری و زبان، گران و ارزشمند نگاه کنیم تا زبان پرورش پیدا کند؛ باید امکانیت فراهم کنیم تا مانع رشد و استعداد صاحبان استعداد و شاعران و هر کسی که با زبان سر و کار دارد، نشویم. در این کار، همه ما باید کار کنیم.

فقط تاجیکستان را به حال خود گذاشتن نتوان. افغانستان هم جنگ‌زده افتاده. ایران که شکر خدا امکانیت بیشتر دارد و پیشرفت کرده است، همه این کشورها باید همکار باشند.

■ نوع همکاری‌ها چگونه باید باشد؟

□ ما باید هر سال یا دو سه سال در میان - مثلاً - مجلس شاعران جوان برگزار کنیم، به بهترین شاعر عنوان و جایزه پیشنهاد کنیم؛ مقصودم برای جوانان است. اگر هر ساله باشد، باخوب‌تر. در موضوع‌های دیگر، مثلاً نثر و نویسندگی، هم همین کار. امروز یک چیز دیگر که با آن سر و کار داریم، استفاده از تکنولوژی‌های جدید در پیشبرد اطلاعات است؛ مثلاً مسابقاتی داشته باشیم؛ بهترین سایت فرهنگی را

مشخص کنیم؛ یا فرض سایت ایجاد شده به بزرگان ما بخشیده شده است (اختصاص یافته) و یا حتی یک سایتی که به رودکی بخشیده شده و یا ... البته در میان هر سه کشور فارسی‌زبان این کار انجام شود. امروزه در تمام دنیا و در منطقه آسیای مرکزی و حتی اروپایی و آمریکا جوانان شوق زیادی برای آموختن و آشنایی با جلال‌الدین رومی دارند. ما باید کوشش کنیم در سطح بین‌المللی فعالیت کنیم و جوانان را جلب کنیم. جوانان ما باید این کارها را اجرا کنند و ما نظارت و تشویق کنیم.

■ حال که بحث به اینجا کشید، اجازه بفرمایید پرسش دیگری را مطرح کنیم. مشکلی که ما از جهت ارتباط با میراث گذشتگان خود داریم، خط فارسی یا به تعبیر تاجیکان، خط نیاکان است. با توجه به اینکه در تاجیکستان خط فارسی به خط سیریلیک (=کرلیک) بدل شده است، در ایران خط فارسی با مشکلاتی که دارد و نیز در افغانستان با مشکلات خاص خودش، همچنان رواج دارد و زنده است. پرسش این است که با تغییر خط در تاجیکستان، چگونه می‌توان نسل فعلی را با میراث گذشتگان پیوند داد؟

□ این مسئله ساده و عادی نیست؛ ما تاجیکان حرف کرلیک را گرفتگی نیستیم (خود نیز برفته‌ایم)؛ بر ما تحمیل شده است؛ لیکن از تحمیل این حروفات قریب صد سال می‌گذرد. در این صد سال، کارهای زیادی صورت گرفته؛ برای مثال، من و همکاران من تمام کتاب‌ها را به همین حروفات می‌نویسیم. برای ما بسیار سنگین است که بتوانیم به حروفات دیگر بنویسیم. اگر اشتباه نکرده، به همان بزرگی و شهامت زبان فارسی نگاه نکرده، می‌توان گفت امروزه به خط کرلیک کتاب‌های زیادی نوشته شده، بیشتر نباشد، کمتر نیست. این همه، مال خلق است؛ نمی‌توانیم به راحتی بگوییم به زور همه را باید تغییر داد. راه دیگر به فکرم باقی است؛ من چنین فکر می‌کنم کسی که دو زبان دانسته باشد، دو عالم دارد؛ دو دنیا دارد؛ و اگر سه زبان داشته باشد، سه عالم دارد؛ یعنی امکانش بیشتر از آن کسی است که یک زبان دارد. باید حروفات درس داده شود؛ در مکتب‌ها، در صنف‌ها (مدارس و سال‌های پایانی باید حروف فارسی را بیاموزیم. این کار را ما کردیم؛ لکن نمی‌دانم چرا پیشرفت نکرد. این با راهبران صاحب معارف است. الفبا نوشته شد؛ الفبای خیلی خوبی؛ آقای لطف‌الله‌یف در ایران به چاپ رساند؛ از نظر چایی هم خیلی خوب بود؛ لیکن پیشرفت نشد. این کمبودی ماست؛ ما تاجیکان که این کار را پیش برده نتوانستیم.

■ چاره چیست؟

□ چاره این است که برگردیم. ما باید صنف (کلاس)‌های یک تا چهار، هر ساله باید الفبای نیاکان بگذاریم؛ در برابر زبان مادری که به

کرلیک نوشته شده است. زبان نیاکان باید برابر رود و صف دانش و تعلیم برای هر دو خط باید برابر باشد. برابر اینها، یک زبان سیم اروپایی باشد؛ روسی یا انگلیسی و یا... همین کار را ما کرده می‌توانیم. در حالت برعکس، چنان که شما گفتید، نسل‌های آینده ممکن است با آن آثار بزرگ بزرگان گذشته کند شوند و این زبان بزرگ است. اگر از همین حوزه فارسی‌زبان، این کمبود را اصلاح نکنیم، بیرون راندن ممکن نباشد. این برای ما دهشت است؛ دهشت چون که چیزی که ما داریم، به فرهنگ، همین زبان و همین تاریخ وابسته دارد. صد سال آخر را هم خط بطلان گذاشتن نتوانیم؛ از یاد نباید نبرآریم (نمی‌توان از یاد برد).

■ جناب عالی آینده تاجیکستان و روابط آن با کشورهای

فارسی‌زبان، به ویژه ایران، را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
□ روشن است بدون رابطه قوی این سه کشور (ایران، تاجیکستان و افغانستان) در سطح سیاست، فرهنگ و علم نمی‌بینیم. همین که خداوند انسان را می‌آفریند، برای انسان خویش نزدیک و همسایه می‌گذارد. یک چیز به ما یاد می‌آید، یک سخن خیلی خوبی است از نیاکان ما، این است که می‌گوید وقتی که آش‌پلو در خانه می‌پزد، یکم کاسه‌ای که از دیگر برمی‌گیرد، آن کاسه را روی پوشانیده و برای همسایه می‌برد. یکم کاسه برای همسایه. مهم این است.

هوا اگر خنک باشد و یا زمستان، این کاسه‌چه آش‌پلو خنک نمی‌شود؛ گرم می‌ماند؛ برای چه؟ برای آنکه عطای همسایه است که خداوند پهلوی شما گذاشته است. این گرمی از بالاست؛ الهی است و این، خنک نمی‌شود. ما هیچ‌گاه از یاد نه برآریم، که هیچ‌کس به ما مثل برادران هم‌زبان و همسایه نیکی کردن نمی‌توانند. دیگران باید باشند. همکاری می‌کنیم همه وقت؛ لیکن نزدیک برای ما اصل است. من فکر می‌کنم بدون یگان (هیچ) فکر دیگر، تلاش ما باید همه وقت برای پیش‌برد فرهنگی این کشورها باشد تا آینده درخشانی پیدا کنیم.

■ جناب ایلاف، با سپاس از جناب عالی که وقت خود را در

اختیار ما گذاشتید تا در دفتر آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان در شهر دوشنبه با شما گفت‌وگو کنیم.

□ من هم منت دارم. خوش باشید و در اینجا از فرصت استفاده کرده، به دوستان و برادران ایرانی هم‌مذهب، هم‌دین، هم‌زبان و هم‌فرهنگ از همه مردم تاجیکستان، به‌ویژه از ضیائیان (روشنفکران)، سلام دارم.

پی‌نوشت

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.  
۱. برنج پخته با روغن بسیار، به همراه هویج خلال کرده پخته و گوشت، غذای مردم تاجیکستان، به‌ویژه برای میهمانان.